



لایحه آزادسازی قیمت انرژی در مجلس

دخل ریالی، خرج دلاری

در حالی که طرح ارایه شده از سوی دولت به مجلس، نکات مثبت اندکی نیز دارد، اما می‌باید در مورد نکات منفی زیاد آن، بازنگری‌های مجددی صورت پذیرد.

این روزها با ورود لایحه توزیع نقدی یارانه‌ها به مجلس جهت بررسی، تصویب و قانونی شدن آن با محوریت آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی، اهمیت بررسی موضوع قیمت و بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور به نحو چشمگیری افزایش یافته است.

بر اساس ماده اول این لایحه، دولت طی ۳ بند و تبصره‌های پیش‌بینی شده مجاز می‌گردد تا قیمت حامل‌های انرژی را اصلاح کند. در بند الف از ماده اول، قیمت فروش داخلی بنزین، گاز، نفت و فرآورده‌های آنها باید بر مبنای فوب خلیج فارس تعیین شوند. بر این اساس و پس از گذشت سه سال از تصویب قانون، قیمت حامل‌های انرژی عبارت است از قیمت‌های فوب خلیج فارس به انضمام هزینه‌های حمل و نقل، توزیع، مالیات و عوارض قانونی که البته این رقم از ۱۰ درصد تخفیف قیمتی نیز برخوردار خواهد بود. با دقت در همین بند می‌توان به نکاتی اشاره کرد. اولاً قیمت‌های فوب خلیج فارس، قیمت‌هایی آزاد و بدون هر نوع عوارض جانبی می‌باشند که با در نظر گرفتن مزیت‌های تولید در کشور و لزوم تعیین قیمت بر اساس هزینه‌های تولید، قیمت‌های داخلی و بین‌المللی از تفاوت قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌باشند.

در لایحه مذکور، دولت با بی‌توجهی به افزایش قیمت‌ها و نادیده انگاشتن مزیت‌های تولید، عوارض،

مالیات و سایر هزینه‌های جانبی را نیز به قیمت می‌افزاید که این امر توجیه‌پذیر نخواهد بود.

مطابق لایحه مذکور، قیمت گاز طبیعی ۷۵ درصد متوسط قیمت صادراتی آن و قیمت برق نیز در داخل کشور، معادل قیمت تمام شده آن پس از سه سال از ابلاغ این قانون می‌باشد. همچنین فروش نفت خام به پالایشگاه‌های داخلی، حداقل ۹۵ درصد قیمت فوب خلیج فارس تعیین می‌شود. نکته مثبت این لایحه، ورود بخش خصوصی به صنایع بالادستی نفت و گاز، با رعایت قانون و اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه می‌باشد که مسأله بسیار حایز اهمیتی است.

راندمان نیرو

افزایش ۷ درصدی راندمان نیروگاه‌های تولید برق کشور طی ۵ سال، از دیگر نکات مثبت این لایحه می‌باشد که در صورت تحقق، می‌تواند به افزایش بهره‌وری نیروگاه‌های کشور - که از عمده‌ترین چالش‌های صنعت برق کشور است - بیانجامد. این در حالی است که راندمان فعلی نیروگاه‌های کشور با رقم ۴۵ درصدی مدنظر طرح، از اختلاف معناداری برخوردار است که در توضیح این مهم، از توجه دولت به پرداخت بدهی‌های معوق خود به پیمانکاران یاد می‌شود، چراکه میزان بدهی دولت به پیمانکاران در بخش نیرو، رقمی

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۲۴ مزیت، بی‌مزیت!

۲۵ در تنگنا

۲۶ برق و گاز گرفتگی

۲۷ "مردم به دولت یارانه می‌دهند یا دولت به مردم؟"

۲۸ میان بُررفاه

۲۹ نیازمند تفکر

۳۰ گام به گام

در حدود ۲۰ هزار میلیارد ریال است که می‌تواند عامل مؤثری بر افزایش راندمان نیروگاه‌های کشور باشد.

اما آیا با وجود چنین شرایطی در کشور، آزادسازی قیمت با همه نکات مثبت و منفی، توجیه‌پذیر است؟ هیچ‌یک از کارشناسان با آزادسازی قیمت‌ها و البته منطقی‌سازی مصرف انرژی، مخالفی ندارند، چراکه یکی از اصول اقتصاد آزاد و بازارمدار، محوریت نظام عرضه و تقاضا است. اما سؤال اول این است که آیا قیمت‌های داخلی در کشور، قیمت‌های غیرواقعی است؟ به عبارتی مطابق مفاهیم اقتصاد خرد، آیا دولت با پرداخت اختلاف قیمت دریافتی از مصرف‌کننده و قیمت‌های تعادلی، مابه‌التفاوتی را تحت عنوان یارانه مصرف انرژی - آن گونه که مثلاً در مورد گندم شاهد هستیم - به مصرف‌کننده می‌پردازد و یا مابه‌التفاوت قیمت‌های داخلی و قیمت‌های صادراتی انرژی را به عنوان هزینه فرصت قیمت انرژی از مصرف‌کننده دریافت خواهد کرد؟

آنچه از لایحه فوق استنباط می‌شود، حالت دوم موضوع است که با مفهوم یارانه تطبیق ندارد. حال در این شرایط، کشوری که سالیان سال با قیمت‌های پایین انرژی مواجه بوده است، چگونه می‌تواند چنین افزایش قیمتی را آن هم در بازه‌ای کوتاه مدت (کمتر از پنج سال)، به بستر تورمی اقتصاد خود تزریق نماید؟ اقتصاد ما سال‌های متمادی است که با تورم عجیب شده و سال به سال شاهد گسترش دامنه نفوذ این متغیر اقتصادی هستیم. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، افزایش تدریجی قیمت بنزین تا سال ۹۱ رقمی معادل ۲۸/۵ درصد و آزادسازی تدریجی قیمت گازوئیل نیز تا سال ۹۰ تورمی معادل ۲۲/۶ درصد بر تورم موجود تحمیل خواهد کرد. در بخش دیگر گزارش مذکور آمده است که افزایش قیمت حامل‌های گازوئیل و بنزین به صورت همزمان تا سال ۹۰ می‌تواند

تورمی معادل ۴۸/۷ درصد را بر تورم موجود هر سال بیفزاید.

رفاه از کجا؟

بر اساس برخی مواد لایحه - علی‌الخصوص ماده پنجم و بندهای زیرگروه آن - دولت می‌تواند حداکثر ۶۰ درصد وجوه حاصل از اجرای این قانون را در بندهایی هزینه کند که اکثریت قریب به اتفاق آنها به مقوله توزیع مجدد درآمدها باز می‌گردند.

در این که یکی از وظایف هر دولت، تأمین رفاه اقتصادی مردم است، هیچ تردیدی وجود ندارد، اما مسأله تأمین مالی آن موضوعی حایز اهمیت است. نظام توزیع مجدد درآمد - همان طور که از نامش برمی‌آید - منبعت از منابع درآمدی همان نظام مالیاتی می‌باشد. اختصاص بیش از نیمی از درآمد حاصل از اجرای این قانون و پرداخت مستقیم و غیرمستقیم به مصرف‌کنندگان، علاوه بر افزایش تورم موجود، صنایع مولد ایرانی را به زانو در خواهد آورد. بعید نیست که افزایش هزینه‌های ناشی از افزایش قیمت انرژی در صنایع تولیدی کشور، زمینه را برای تعدیل نیرو و افزایش بیش از پیش نرخ بیکاری در کشور فراهم سازد و چه بسا بر خلاف نظر وزیر کار مبنی بر کاهش نرخ بیکاری - معادل ۷ درصد بیکاری در سال ۹۴ - این مقوله روند تصاعدی در پیش بگیرد. بر اساس ماده نهم از لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها، دولت مکلف است صندوق هدفمندسازی یارانه‌ها را برای مصارف مقرر در این قانون و اجرای آن تشکیل دهد که مصارف آن با تأیید هیأت امنای صورت خواهد گرفت. اعضای هیأت امنای این صندوق را وزیران امور اقتصادی و دارایی، رفاه و تأمین اجتماعی، معاونت برنامه‌ریزی، نظارت راهبردی و رئیس‌جمهور تشکیل می‌دهند. ریاست این هیأت نیز بر عهده شخص رئیس‌جمهور می‌باشد.

با تصویب این بند، به نظر می‌رسد که دولت هیچ مانعی برای برداشت از منابع موجود ندارد، چراکه تصمیم‌گیری، تصویب و اجرا بر عهده دولت خواهد بود. اگر طی سالیان گذشته مانعی نظیر بانک مرکزی برای برداشت پیاپی دولت از صندوق ذخیره ارزی وجود داشت، با تصویب این بند از قانون مزبور، دولت دیگر مجبور به اخذ مجوز نخواهد بود. تزریق بی‌دلیل نقدینگی به جامعه که طی سال‌های گذشته، کمابیش با مخالفت بانک مرکزی روبه‌رو بود، دیگر مخالفی نخواهد داشت. اگرچه یکی از اهداف این صندوق، توسعه و سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید انرژی در کشور است، بعید نیست که با سابقه‌ای که دولت در برداشت سالانه خود از حساب صندوق ذخیره ارزی نشان داده است، برداشت‌ها و مخارج خود را از محل منابع صندوق هدفمندسازی یارانه‌ها، توجیهی برای افزایش سرمایه‌گذاری در حیطه انرژی قلمداد کند تا هم به مصداق قانونی خود عمل کرده باشد و هم کسری بودجه خود را به راحتی از جیب انرژی کشور تأمین

انکاری را به بار خواهد آورد، حذف افزایش درآمد، تداوم معیشت افراد جامعه را مختل خواهد کرد. لذا بهتر است دولت به جای اتخاذ تصمیم‌های عجولانه در مباحث اقتصادی، برای گسترده‌نگی نامتعارف خود چاره‌ای بیاندیشد و با کاستن از هزینه‌های سنگین و کمرشکن خود، اقتصاد نابسامان کشور را سامان دهد. ■

تهدیدی برای تولید و اشتغال

مزیت، بی‌مزیت!

افزایش قیمت‌های انرژی، در شرایط کنونی و اوضاع نابسامان تولید داخلی کشور، می‌تواند با حذف مزیت‌های تولید و کاهش توان رقابتی واحدهای تولیدی، اوضاع تولید، اشتغال و رشد اقتصادی کشور را با بحران مواجه کند.

بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، صادرات غیرنفتی ایران در پایان سال ۸۶ معادل ۱۵/۶۳ میلیارد دلار (برابر با ۱۴۶ هزار و ۳۱۵ میلیارد ریال) بوده است که با توجه به روند صادرات کشور در ۱۰ ماهه سال جاری، برآورد «اقتصاد ایران» از صادرات غیرنفتی کشور تا پایان سال ۸۷ معادل ۱۶/۲ میلیارد دلار (برابر ۱۶۱ هزار و ۸۸۶ میلیارد ریال) می‌باشد. صادرات و تعامل بازرگانی موفق کشورمان با سایر کشورهای جهان و رشد متوالی مثبت در حوزه صادرات غیرنفتی کشور، حاکی از یک برنامه‌ریزی هدفمند در سال‌های گذشته است که این مهم در سایه مزیت‌های تولید کشور - به خصوص در بخش انرژی - منجر به رشد نسبی تولید در کارخانجات صنعتی و تولیدی بزرگ و کوچک شده است.

هرچند مشکلات و مسایلی از قبیل کمبود نقدینگی، واردات بی‌رویه محصولات خارجی به داخل، محدودیت‌های گمرکی صادرات، قوانین پیچیده و دست‌وپاگیر، معضلات مالیاتی و قانون کار، همگی در کاهش سرعت رشد تولید در کشور دخیل می‌باشند، اما توجه به برخی مزیت‌ها همچون نیروی کار ارزان و قیمت‌های پایین منابع انرژی - که ناشی از مزیت‌های تولید و استحصال این منابع است - می‌تواند به افزایش سطح تولید و توان رقابت تولید منجر گردد. این در حالی است که در صورت تصویب لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها، تولیدکننده بخش خصوصی باید برای تأمین نفت گاز (گازوییل)، به جای پرداخت ۱۶۵ ریال در هر لیتر، مبلغ ۲ هزار و ۷۰۰ و ۳ یا ۲ هزار و ۵۰۰ ریال پرداخت کند. اگر فقط مبلغ دو هزار و ۷۰۰ ریالی را که بر اساس پرده اول سناریوی تحول اقتصادی مطرح شده است در نظر بگیریم، هزینه تمام شده بخش خصوصی، بیش از هزار و ۵۰۰ درصد افزایش را تجربه خواهد کرد. نکته قابل توجه آن است که این میزان افزایش در هزینه تمام شده بخش خصوصی، بخش ناچیزی از افزایش هزینه

است که حاصل افزایش هزینه انرژی و سوخت مورد نیاز بنگاه خصوصی می‌باشد. هزینه‌های جنبی ناشی از افزایش قیمت انرژی، نظیر فشار دستمزد نیروی کار، حمل‌ونقل، تورم قیمت محصولات اولیه و مواردی از این قبیل، هزینه تمام شده بخش خصوصی را بیش از این ارقام افزایش خواهد داد.

بر اساس آمار واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، در صورتی که نرخ تورم ۲۳/۳ درصدی تولیدکننده داخلی را - که ۶/۵ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته است - به انضمام کاهش ارزش دلار در مقابل ریال - که از اواسط ژانویه ۲۰۰۹ رخ داده است - به معضل فوق بیافزاییم، افزایش هزینه بخش خصوصی رقمی در حدود ۲ هزار و ۱۵۰ درصد خواهد بود. این در حالی است که مطابق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، توسعه صادرات محصولات غیرنفتی - تا جایی که قدرت اول اقتصادی منطقه باشیم - در گروی حمایت از تولیدکننده داخلی و حمایت و تقویت مزیت‌های تولید می‌باشد. مضاف بر آن که کشورهای منطقه نیز ضمن بهبود اهداف و ارقام رشد اقتصادی خود و با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، برای دستیابی به اهداف والاتر تلاش خواهند کرد. این موضوع حاکی از تعمیق شکاف بین کشورمان با کشورهای منطقه است که در اثر تضاد اهداف از پیش تعریف شده کشور با سیاست‌های بی‌ثبات - گاهی حتی بدون اعمال نظر کارشناسان دولت‌ها - حاصل شده است.

مشکلات بیشتر می‌شود

افزایش قیمت حامل‌های انرژی قطعاً سطح بیکاری را در جامعه با رشدی فزاینده مواجه خواهد کرد که البته این موضوع با کاهش هفت درصدی نرخ بیکاری تا سال ۹۳ - که مدنظر برنامه پنجم توسعه است - کاملاً در تعارض می‌باشد.

علاوه بر معضلات فوق و در صورت تصویب و